

تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.

گستر دواطلبی

همکاری خوشایند داوطلبان و عیاران داوطلبان در کودزور خانه افتادگی می آموزند



برای کار خیر و درست قید مکان و زمان معنا ندارد. به همین دلیل جمعی از داوطلبان هلال احمر شهر اراک زورخانه شهر را به محلی برای فعالیت‌های بشردوستانه تبدیل کرده‌اند. «تیمور همتی» رئیس هیأت کشتی پهلوانی و ورزش باستانی استان مرکزی با بیان اینکه ورزش باستانی و جمعیت هلال احمر وجود مشترک بسیاری دارند که می‌تواند در یک راستا قرار گیرند توضیح می‌دهد: «وقتی سابقه تاریخی هلال احمر را بررسی می‌کنیم همگی فعالیت‌های درخشان خدمت به بشر است. از طرفی وقتی تاریخ ورزش باستانی را ورق می‌زنیم می‌بینیم که عیاران و پهلوانان به‌عنوان معتمدان مردم نقش داشتند و کارهای بزرگی برای خدمت به مردم کرده‌اند. نمونه فراموش نشدنی‌اش فعالیت‌های جهان پهلوان تختی در زلزله بوئین زهرا بود. به همین دلیل از کنار هم قرار گرفتن اینها می‌تواند اتفاق خوشایندی رقم بخورد.»

همتی می‌گوید: «در این زورخانه جمعی از داوطلبان دور هم جمع می‌شوند و برای نیازمندان فعالیت می‌کنند. هنگام وقوع زلزله کرمانشاه کمک‌های زیادی در این زورخانه جمع شد و در اختیار هلال احمر قرار گرفت. به گونه‌ای که اینجا تبدیل به پایگاه جمعیت شد. ورزشکاران برای رفع گرفتاری مردم از اعتبارشان مایه می‌گذارند. جبهه‌پز برای نعره‌سازان تهیه می‌کنند و هر کار نودوستانه‌ای از عهده‌شان برآید انجام می‌دهند.»

«عباس جولایی» داوطلب هلال احمر و مرشد زورخانه می‌گوید: «در کود زورخانه افتادگی را یاد می‌گیریم و راه درست زندگی را از پهلوانان می‌آموزیم. اینها موضوعاتی است که باید در عمل هم اثبات شود و چه عرصه‌ای بهتر از جمعیت هلال احمر می‌توان یافت. هیچ‌وقت لذت اجرای برنامه زورخانه‌ای را برای معلولان و سالمندان فراموش نمی‌کنم. آن بچه‌ها آنقدر خوشحال شده بودند که هزار گاهی از ما می‌خواهند به آسایشگاهشان برویم و برایشان برنامه اجرا کنیم.» جولایی می‌افزاید: «این سعادت بسیاری بزرگی است که بنده به‌عنوان یک باستانی کار عضو جمعیت هلال احمر هستم.

جمعیت هلال احمر و ورزش زورخانه‌ای در جایگاه یکسانی قرار دارند که می‌توانند در یک قالب فعالیت‌های گسترده‌ای را انجام دهند. ما این زورخانه را پایگاه هلال احمر کرده‌ایم تا نشان دهیم فعالیت‌های صلح جوانه هیچ مرز و محدودی ندارد.» مرشد زورخانه شهر اراک با بیان اینکه در جامعه افراد زیادی نیازمند یاری هستند و هلال احمر تنها ارگانی است که حتی در نقاط دورافتاده فعالیت‌های حمایتی‌اش را انجام می‌دهد می‌گوید: «باید از فعالیت‌هایی که برای مردم خیر به همراه دارد حمایت کنیم. چون این تنها راهی است که می‌توانیم فقر را ریشه کن کنیم. اگر تمام مردم پشتوانه هلال احمر شوند و این سازمان را در رسیدن به اهدافش یاری کنند اتفاقات بسیار خوبی رخ خواهد داد. امروز هلال احمر کاروان‌های جهادی و نیکوکاری را به مناطق محروم می‌برد تا مشکلات مردم را حل کند.»

سی‌وهشتمین جلسه هیات حاکمه فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر با حضور جمعیت هلال احمر ایران و سایر جمعیت‌های ملی عضو هیات حاکمه از روز دوشنبه ۱۶ مهر ماه برگزار شد. بر این اساس کار گروه‌های سی‌وهشتمین جلسه هیات حاکمه فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و جلسات منطقه‌ای نواب رئیس و جمعیت‌های ملی منطقه صبح و بعد از ظهر روز دوشنبه برگزار شد. جلسه رسمی سی‌وهشتمین نشست هیات حاکمه با سخنرانی رییس فدراسیون روز سه‌شنبه رسماً آغاز شد. در ۳ روز این نشست موضوعات کنفرانس‌های منطقه‌ای، گزارش‌های مالی فعالیت‌های فدراسیون بین‌المللی در ۶ ماه گذشته، موضوعات تعیین حق عضویت، گزارش کمیسیون‌های جوانان، خطر و حساس‌سازی، کمیته انتخابات و کمیته انطباق و میانجیگری و موضوع ورود فدراسیون به پوشش جهانی بهداشت و همچنین ارزش راهبردی ارتباطات، بررسی و به بحث گذاشته شد.



# گوش به زنگ برای عملیات نجات

گفت‌وگو با هیمالیانوردی که صعود به قله را برای پایین آوردن پیکر یک کوهنورد چینی نیمه‌کاره رها کرد

**علی جواهری - خبرنگار** | همچون سربازی آماده خدمت است. هر وقت مشکلی پیش می‌آید به چشم برهم‌زدنی آماده می‌شود، کفش و تجهیزاتش را مرتب می‌کند و کوله به دوش خودش را به سازمان امداد و نجات می‌رساند. وقتی پایش را روی صخره می‌گذارد محال است لحظه‌ای سنگ‌ها زیر پایش لغزشی کنند. چابک، نیرومند و پر قدرت برای نجات حادثه‌دیدگان دل به مه و کولاک و آب و هوای وحشی کوهستان می‌زند. «کاوه کاشفی» ۴۲ ساله هیمالیانوردی است که سال‌های سال توانمندی کوهنوردی‌اش را برای نجات انسان‌ها در اختیار هلال احمر گذاشته است. او از آن دسته کوهنوردانی است که در اکثر عملیات‌های بزرگ، حتی حادثه اخیر سقوط هواپیمادر کوه دنا به‌عنوان نیروی تجسس امدادی حضور مؤثر داشته و بی‌وقفه تلاش کرده است. جدا از اینها افراد زیادی را در صعودهایش در قله دماوند و دیگر قله مرتفع کشور نجات داده است؛ «یک هلال احمری نیازی به کارت و پر کردن فرم ندارد. من که تابه حال اصلاً به این موضوع فکر نکردم. هر وقت نیازی به حضور من و دوستانم بوده حتی بدون درخواست هلال احمر اعلام آمادگی کردیم. چون کار داوطلبی اساس فعالیت‌های جمعیت است.» با این کوهنورد حرف‌های درباره خاطر اتش و ماجراهایی که از سر گذرانده به گفت‌وگو نشستیم.

احتمال داشت آن فرد جانش را از دست بدهد. به داخل محوطه رفتم و فریاد کشیدم شما بویی از ورزشکاری و جوانمردی برده‌اید؟ اینجا یک نفر به خاطر ارتفاع‌زدگی در حال مرگ است و شما این‌طور بی‌تفاوتید. مسئولیت مرگ این آدم که اینجا افتاده است به گردن تک تک شما خواهد بود. از آن جمعیت چند نفر برای کمک، داوطلب شدند. وقتی آن کوهنورد را ۶۰۰ متر پایین بردیم جان گرفت و به‌هوش آمد.

در بسیاری از عملیات‌های بزرگ هلال احمر شرکت داشته‌اید. اما چرا هیچ‌گونه فرم داوطلبی در هلال احمر پر نکرده‌اید. دوره‌های امداد و نجات را کجا سپری کرده‌اید؟ در فدراسیون کوهنوردی دوره‌های امداد و نجات را گذرانده‌ام. باور کنید هیچ‌وقت به این موضوع فکر نکردم. راستش را بخواهید اینها مهم نیست. به نظرم هلال احمری بودن به کارت، پر کردن فرم و پوشیدن لباس سرخ نیست. همه آدم‌هایی توانمندمنش هلال احمری داشته باشند و به دیگران بدون چشمداشت خدمت کنند. هر وقت جایی نیازی به حضور من و دوستانم بوده اعلام آمادگی کرده‌ام. چون کار داوطلبی اساس فعالیت‌های جمعیت است.

ارزبایی‌تان از فعالیت‌های امداد کوهستان هلال احمر چیست و در این باره چه پیشنهادی برای مسئولان جمعیت دارید؟

هلال احمر تیمی به نام امداد کوهستان دارد که جوانانی پرانرژی عضوان هستند. آنها به معنای واقعی بدون توجه به جان خود به کمک حادثه‌دیدگان می‌روند و افراد زیادی را هم نجات می‌دهند. گاهی وقت‌ها تجهیزات مناسبی ندارند. وقتی جوانی با چنین توانی پا به عرصه می‌گذارد و فعالیت می‌کند باید قدرش را دانست و هواپیش را داشت. این جوانان داوطلبانه کار می‌کنند و این خیلی ارزشمند است. مسئولان باید قدر این افراد را بدانند، پای درشان بنشینند و مسائلشان را حل کنند.

نمی‌ایستند. ولی این عبارت را تنها می‌توان برای تیم‌های اروپایی به کار برد. همه دنیا تیم‌های کوهنوردی ایرانی را به بشردوستی می‌شناسند. من یک ورزشکارم و ادعای کنم که منش هلال احمری هم دارم. پس باید بهترین رفتار را در مواقع حساس داشته باشم.

نجات‌های متعدد کوهنوردان که حاصل تلاش شما در رشته کوه دماوند است خیلی‌ها تعریف می‌کنند. از این امداد رسانی‌ها بگوئید.

این مسائل گفتن ندارد. چون هر کسی به جای من بود و می‌دید جان کسی در خطر است به کمکش می‌رفت. البته متأسفانه این روزها آدم‌ها نسبت به هم کمی بی‌تفاوت شده‌اند. یکبار در بارگاه سوم دماوند کوهنوردی دچار ارتفاع‌زدگی شده و تقریباً از هوش رفته بود. داخل پناهگاه رفتم و گفتم: «چرا به پایین انتقالش نمی‌دهید؟» مسئول پناهگاه گفت: «من دست تنها هستم و کسی هم حاضر نیست کمک کند تا او را پایین ببریم.» خیلی به هم ریختم. چون کوهنورد‌های زیادی در بسار گاه بودند و هر لحظه

می‌گفتند. در آن شرایط بد به هر تریبی بود کار گاه زدیم و از دره پایین رفتیم. بعد از چند ساعت جست و جو بالاخره پیکر آن کوهنورد را یافتیم و صعود را نیمه‌تمام رها کردیم تا پیکر را پایین ببریم.

باور اینکه صعودی را که این همه برایش زحمت کشیده‌اید رها کنید تابه کمک دیگران بروید کمی سخت است.

واقعیت این است که همه زندگی به دست آوردن قهرمانی نیست. همه کارها در نظر گرفتن منافع نیست. و گرنه هیچ ارگان بشردوستی به وجود نمی‌آمد و هیچ انسانی به دنبال کار درست نمی‌رفت. کار خوب کردن یک فرصت است که نباید از دست داد. وقتی من به‌عنوان یک ایرانی در یک صعود حضور دارم هویت و شخصیت مردم کشورم را همراه دارم. اگر کاری غیر از این انجام دهم برخلاف شأن یک ایرانی رفتار کرده‌ام. خیلی وقت‌ها نزدیک صعود به قله که می‌شود حتی هم‌تیمی‌ها هم به یکدیگر رحم نمی‌کنند و به خاطر همدیگر یک دقیقه هم



## نخستین عملیات

کاوه کاشفی هیمالیانورد و مربی تیم ملی کوهنوردی است. او بیش از ۲۴ سال سابقه کوهنوردی دارد و نخستین بار توسط یکی از دوستان پدرش با کوهنوردی آشنا شد. این کوهنورد حرفه‌ای درباره اولین باری که داوطلبانه با هلال احمر در یک عملیات همکاری کرد می‌گوید: «سال ۱۳۷۷ در حال کوهپیمایی در محدوده دربند بودم که امدادگران هلال احمر از من خواستند برای نجات فردی که به دره سقوط کرده کمکشان کنم. وقتی بالای سر آن کوهنورد رسیدم زنده بود. تمام تلاشمان را برای خروج او به کار بستیم ولی متأسفانه شدت جراحتش آنقدر زیاد بود که در بین راه جانش را از دست داد. از آن به بعد همکاری‌های ما با هلال احمر شروع شد.»

# افتخار می‌کنم هلال احمری هستم



امیدوارم بتوانم این مسئولیت را به سرانجام برسانم. البته این کار با سختی و کار فراوان محقق می‌شود.» این قهرمان با بیان اینکه فعالیت‌های فرهنگی جوانان هلال احمر می‌تواند تأثیر زیادی در حل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد می‌گوید: «امروز هلال احمر در بین اقشار مختلف جامعه، دانش‌آموزان و دانشجویان نفوذ پیدا کرده است. داوطلبان هلال احمری برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی فعالیت‌های بسیاری را انجام می‌دهند. این کار بسیار موفق بوده چون با نگرش داوطلبانه انجام می‌شود. مشکل کارهایی که به نتیجه نمی‌رسد هم همین است که روحیه داوطلبانه در آن وجود ندارد.»

آخرین عملیات تجسسی که در آن حضور داشتید سقوط هواپیمادر رشته کوه دنا بود. چگونه مطلع شدید و به آنجا رفتید؟

من مشغول انجام کارهایم بود که از تلویزیون خبر حادثه سقوط هواپیمادر رشته کوه دنا را شنیدم. مثل همیشه نمی‌توانستم بی‌تفاوت باشم. آرام و قرار نداشتم. می‌دانستم آنجا چه خبر است و وضع آب و هوا چقدر برای نجات‌یافتگان احتمالی می‌تواند دشوار و خطرناک باشد. تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم این بود که بلافاصله با دوستان کوهنوردم تماس گرفتم. تک تک آنها اعلام آمادگی کردند. باهم قرار گذاشتیم و به طرف محله حادثه حرکت کردیم. وقتی به آنجا رسیدیم به پایگاه امدادی هلال احمر در کوه دنا رفتیم و خودمان را معرفی کردیم.

خانواده‌تان نگران نشدند؟ به آنها خبر دادم. دیگر عادت کرده‌اند. همیشه نگرانم هستند و دعای می‌کنند تا برآیم اتفاقی نیفتد. من کوهنوردم. ممکن است در یکی از صعودهایم در دماوند اتفاقی برایم رخ دهد و جانم را از دست دهم. اما همیشه باید با احتیاط و اصولی عمل کرد و بقیه را باید به خدا سپرد. خانواده‌ام خیلی

صبور هستند و مرا خوب می‌شناسند. آنها می‌دانند اگر در جایی نیازی به من باشد نمی‌توانم به کمک نروم. دوست دارم از آنچه که می‌دانم و یاد گرفته‌ام به‌نحو احسن استفاده کنم و آن وقت از کارم لذت می‌برم.

شنیده‌ایم در اکثر صعودهایتان تجهیزات امداد و نجات همراه دارید و چندین بار جان افراد حادثه‌دید را نجات داده‌اید. گویا در صعود به هیمالیا هم اتفاق جالبی برایتان افتاده؟ بله. هوا خیلی سرد بود و برف سنگینی می‌بارید. مه نسبتاً غلیظی محیط را دربر گرفته بود که خبردار شدیم یکی از کوهنورد‌های چینی در دره‌ای سقوط کرده است. سریع به سمت نشانی رفتیم که هم‌تیمی‌هایش در بی‌سیم

«مریم حاجی حسینی» عضو شورای اجرایی کانون دانشجویی هلال احمر پردیس فاطمه الزهرا (س) یزد در وزن منفی ۵۰ کیلوگرم مدال برنز مسابقات جهانی سبک کیوکوشین UFK را کسب کرده است. او می‌گوید: «هلال احمری بودن برایم افتخار بزرگی است. شباهت‌های زیادی بین یک ورزشکار و یک هلال احمری وجود دارد. در هر دوی آنها حس همونوعی و جوانمردی حرف اول را می‌زند.» این قهرمان، ورزش را برای هلال احمری‌ها یک اصل اساسی می‌داند و توضیح می‌دهد: «ورزش در افزایش روحیه و توان امدادگران نقش مؤثری دارد. از وقتی لباس هلال احمر را به تن کرده‌ام احساس مسئولیت زیادی می‌کنم.